

بررسی تاثیر کار خانگی زنان در شرایط گذران زندگی خانوادگی آنها (مورد مطالعه: زنان دهستان گچین بالا)

نجم الدین خلاده^۱

نام نویسنده مسئول:

نجم الدین خلاده

چکیده

هدف این تحقیق بررسی تاثیر کار خانگی زنان در شرایط گذران زندگی خانوادگی آنها در دهستان گچین بالا بوده است. جامعه آماری عبارت است از کلیه زنان ۲۰ الی ۶۰ سال دهستان گچین بالا که در سال ۱۳۹۷ در این دهستان ساکن بودند. تعداد کل زنان ۲۰ الی ۶۰ سال دهستان گچین بالا طبق سرشماری ۱۳۹۵ حدود ۲۵۰۰ هزار نفر بوده است. حجم نمونه تحقیق بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران حدود ۲۵۰ نفر برآورد شده است. در این تحقیق از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. نتایج یافته های تحقیق نشان داد که میزان فعالیت اقتصادی خانگی زنان با متغیرهای وضعیت اقتصادی، سبک زندگی، قدرت تصمیم گیری و استقلال اقتصادی زنان رابطه مستقیم و معناداری داشته است. و هرچه زنان فعالیت اقتصادی بیشتری داشته اند، قدرت تصمیم گیری و استقلال اقتصادی بیشتری داشته اند.

واژگان کلیدی: فعالیت اقتصادی، سبک زندگی، قدرت تصمیم گیری و استقلال اقتصادی زنان

مقدمه

یکی از عرصه های تحول زندگی اجتماعی در عصر جدید، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است. این تغییرات و تحولات خود دامنه وسیعی را از تغییر باورها و انگاره های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش های فردی، خانوادگی و اجتماعی در بر می گیرد. اما اشتغال زنان در میان این تحولات اهمیت و نقش ویژه ای دارد. یکی از وجوه اهمیت موضوع اشتغال زنان، تأثیرات عینی و مشهود آن در عرصه اجتماعی از یک سوی، و عرصه های فردی از سوی دیگر است. این ویژگی مهم موجب شده است اشتغال زنان به مقوله ای تبدیل گردد که ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی دارد. زنان رکن اساسی جامعه و خانواده محسوب می شوند که نیمی از پیکره هر اجتماع را تشکیل می دهند. از آنجا که زن ضربه حیات خانواده می باشد و قلب جامعه در سینه ی خانواده می تپد، از همین رو صعود یا سقوط هر جامعه ای را باید به چگونگی شخصیت زنان و جایگاه اجتماعی آن نسبت داد. زنان همواره نقش اساسی را در خانواده ایفا نموده و در انجام دادن کارهای خارج از خانه سابقه نسبتاً طولانی دارند و نقش مهمی را در جهت نیل به اهداف و برنامه های توسعه اقتصادی اجتماعی ایفا می نمایند.

زنان از دیرباز مسئولیت فرزندپروری، همسری و انجام دادن امور خانواده را بر عهده داشته اند. برای ادامه زندگی اجتماعی و رفع نیازهای جامعه از هیچ فعالیتی دریغ نکرده اند. همچنین در کلیه مراحل تاریخی، نیمی از فعالیت های اقتصادی در نتیجه تلاش آن ها سامان یافته است. با وجود این، فعالیت های اقتصادی هیچ گاه موجب افزایش قدرت و منزلت ایشان نشده و کار آن ها ارزش اجتماعی ویژه ای به دنبال نداشته است. خانه داری و انجام دادن امور خانه، بدون دریافت کمترین حقوقی جزء وظایف طبیعی آن ها تعریف شده است [۱]. زنان در گستره جهانی نقش عمده ای در فعالیتهای اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه و از همه مهمتر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیتهای عمدتاً سنتی است، در داخل خانه انجام می شود، جنبه تولیدی دارد و در افزایش درآمد خانوار تأثیر بسزایی دارد. با این حال، زنان روستایی نامرئی ترین مشارکت کنندگان در فرآیند اقتصادی جامعه و خانواده است. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، بنابراین، عدم توجه به توانایی این بخش جامعه نتایج زیانباری را به دنبال خواهد داشت. امروزه زن روستایی و زحمات او که همه اقشار جامعه از آن بهره مند می شوند، تا حدودی مورد توجه اندیشمندان و نهادهای اجتماعی قرار گرفته است. در دنیای کنونی نیل به اهداف توسعه بدون استفاده از ذخیره عظیم نیمی از پیکره جامعه؛ یعنی زنان، امری غیر ممکن خواهد بود [۲]. بنابراین این تحقیق در صدد بررسی تاثیر کار خانگی زنان در شرایط گذران زندگی خانوادگی آنها در دهستان گچین می باشد.

از دید جامعه شناسان کارکردگرا تنها نقش اساسی زنان در جامعه برآوردن نیازهای جنسی مردان و فرزندزایی است و نباید تغییری در این نقش ایجاد کرد. به نظر پارسونز این تقسیم نقش برای حفظ وحدت خانوادگی ضروری است. وی تداخل هر نوع نقش دیگر را سبب برهم زدن تعادل زندگی می داند. به نظر پارسونز امروزه، اشتغال زنان موجب شده است که نقش بیانگر خود را از دست بدهند و به رقیب شغلی شوهر خود تبدیل شوند که این امر موجب نابسامانی و اختلاف زن و شوهر در خانواده می شود. همچنین به نظر بکر در ازدواج سنتی، احتمال طلاق کمتر است یعنی ازدواجی که تقسیم کار بین زوجین وجود دارد که در این صورت مرد مسئولیت نان آوری و زن مسئولیت خانه داری و تربیت فرزندان را بر عهده دارد و هنگامی که کار به این صورت بین زن و مرد تقسیم می شود، هزینه های ترک ازدواج ناخوشایند، بالا می رود [۳]. نظریه های نئوکلاسیک برای تبیین تفاوت های جنسیتی و اختلاف درآمد بین کار مردان و زنان به متغیرهایی نظیر مسئولیتهای خانوادگی، نیروی جمعیتی، آموزشهای عمومی، غیبت و جابه جایی از کار اشاره می کند و این عوامل را در میزان بهره وری نیروی کار مؤثر می داند. باور نئوکلاسیک ها بر این است که سیاستگذاران

برای کاهش تبعیض، باید به متغیرهایی غیر از متغیرهای بازار کار توجه کنند و برای آموزش زنان، ایجاد مهارت در شغل های غیرسنتی برای آنان، تنظیم خانواده، افزایش مسئولیت مردان، سهم برابر زنان و مردان در نگاه داری و تربیت کودک و کارهای خانگی سیاستگذاری کنند. همچنین، با سازماندهی دوباره زمان کار، موارد ممنوعیت اشتغال زنان در بعضی مشاغل را از قانون کار حذف کنند [۴]. نظریه های نابرابری جنسی معتقدند که: ۱- زنان و مردان نه تنها موقعیت های متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیت های نابرابری نیز قرار گرفته اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی زنان قرار دارند از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت های تحقق خود کمتری بهره مند هستند؛ ۲- اینکه این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می گیرد و از هیچ گونه تفاوت مهم زیست شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی شود؛ ۳- مضمون نظریه نابرابری این است که هرچند افراد انسانی ممکن است از نظر استعدادها و ویژگی هایشان با یکدیگر تا اندازه ای تفاوت داشته باشند، اما هیچگونه الگوی تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز کند. در واقع همه انسان ها با یک نیاز عمیق به آزادی برای تحقق نفس و نوعی انعطاف پذیری مشخص می شوند. زنان در مقایسه با مردان، از قدرت کمتری برای برآوردن تحقق نفس بهره مند هستند. در حالیکه هر دو در این نیاز سهیم هستند. ۴- اینکه همه نظریه های نابرابری فرض را بر این می گیرند که هم مردان و هم زنان می توانند در برابر ساختارها و واقعیت های اجتماعی به طور برابر واکنشی آسان و طبیعی از خود نشان دهند. به عبارت دیگر، آن ها براین عقیده هستند که دگرگون ساختن موقعیت زنان امکان پذیر است [۵]. این نظریه پردازان در تقسیم کار جنسی، توجه خود را به عرصه عمومی معطوف می دارند که پاداش های راستین زندگی اجتماعی - مانند پول، قدرت، منزلت، آزادی و فرصت های رشد و بالا بردن ارزش شخصی - را باید در عرصه عمومی جستجو کرد [۶]. بنا بر استدلال آن ها، زنان مانند مردان از حقوق طبیعی یکسان بهره مند هستند. جنس زن به حقوق ارتباط ندارد، زنان از قابلیت قدرت تعقل کامل بهره مند هستند، و از این رو استحقاق تمام حقوق انسانی را دارند، با وجود این، نظام های اجتماعی به دلیل جنس (زن بودن)، علیه زنان تبعیض قائل می شوند [۷]. فمینیست های لیبرال طرفدار حقوق برابر زن و مرد هستند و برعلیه قوانینی مبارزه می کنند که حقوق ویژه ای را برای مردان قائل می شوند. همچنین، برای وضع قوانین و روال هایی که برای حمایت از زنان طراحی می شوند، تلاش کرده و از قوانینی حمایت می کنند که به تبعیض علیه زنان و قائل شدن حقوقی برای زنان در محل کار، از قبیل مرخصی و دستمزد دوران زایمان توجه کرده اند [۸]. فمینیست ها در تحلیل تقسیم کار جنسیتی نشان می دهند که زنان همواره، چه در نظام تولید کشاورزی سنتی و چه در نظام صنعتی، به حیات اقتصادی خانواده کمک می کنند. شرکت و همکاری زنان در اقتصادی کشاورزی و خصوصاً بهره برداری های خانوادگی، اگر چه به صورت رسمی اندازه گیری نمی شود، اما بدون کمک زنان گاه واحد بهره برداری از ادامه فعالیت تولیدی عاجز می ماند. به نظر ایشان آن ها در نقش خانه داری های نوین نیز به طور غیر مستقیم به حیات اقتصادی خانواده کمک می کنند. اگر وظایف خانگی زنان (آشپزی، نظافت و نگهداری از بچه ها) نبود، مردان خانواده نمی توانستند برای شرکت در فضای تولید اجتماعی و رسمی آماده شوند. به علاوه زنان خانه دار نمایندگان مهم ترین مرحله جامعه پذیری یعنی جامعه پذیری اولیه در خانواده هستند و کودک الگوی اساسی شخصیت خویش را از طریق ایشان فرا می گیرد [۷]. نظریات فمینیستی به رد ایدئولوژی تقسیم کار جنسیتی اقدام می کند که بر اساس آن فقط کارهای مرتبط با حوزه بیرونی شایسته دریافت دستمزد هستند و از طریق کسب دستمزد، مردان قدرت کنترل و تصمیم بر منابع مالی خانواده را دارند. بدین ترتیب کسب درآمد، کنترل درآمد، تقسیم منابع مالی خانواده و تصمیم گیری در امور خانواده ... همه تحت اختیار مرد است [۹].

لهسایی زاده در مورد نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران نتیجه می گیرد که زنان روستایی ما در بخش کشاورزی، صنایع روستایی و خدمات از تولیدکنندگان اصلی هستند، اما متأسفانه در آمارها، بررسی های وضعیت موجود و برنامه ریزی ها برای آینده، به آنها توجه کافی نشده است [۱۰]. خانی با مطالعه جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعه

روستایی، به این نتیجه رسیده است که کار زنان در نواحی روستایی گیلان تحت تأثیر نیاز به نیروی کار کشاورزی و کیفیت کاربری اراضی در نوسان است. او می گوید از نظر فضایی- مکانی اشتغال زنان با پراکندگی و انزوای واحدهای روستایی شدت می پذیرد و بین اشتغال زنان و درجه برخورداری خانوار روستایی رابطه ای معکوس وجود دارد [۱۱].

پور عربی با مطالعه ای که در زمینه نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر انجام داده، به این نتیجه رسیده است که بیش از ۹۶ درصد از زنان روستایی، حداقل دارای یک فعالیت اقتصادی مکمل درآمد خانواده هستند، اما آنان مشارکت چندانی در تصمیم گیری های خانواده ندارند [۱۲]. سرحدی و همکاران در پژوهشی با عنوان بررسی اجتماعی-اقتصادی نقش زنان در روستای آهندان، نتیجه گرفته اند که به طور کلی نحوه تصمیم گیری در خانوارهای روستایی مورد مطالعه بیان کننده قدرت و نفوذ مرد در خانواده است. با اینکه، زنان خانوار در انجام دادن امور تولید از مردان بسیار فعال تر هستند، در تصمیم گیری های تولیدی و اموری از قبیل اتخاذ تصمیمات حساس، مانند فروش محصول، خرید نهاده ها و وسایل کشاورزی، خرید لوازم سنگین منزل، تحصیل و ازدواج فرزندان ناچیز است [۱۳]. امیرنیا در پژوهشی با عنوان میزان و چگونگی مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی (زراعت-باغداری) در فرآیند توسعه روستایی، تلاش کرده است تا فعالیت زنان روستاهای دهستان انزل را از طریق روش پیمایش به تصویر بکشاند. او، نتیجه می گیرد که رابطه بین استفاده از تکنولوژی و مشارکت زنان پایین است. میزان مشارکت زنان با افزایش سطح درآمد کاهش می یابد، زنان در تصمیم گیری ها نقش بسیار کمی دارند. همچنین، از پایگاه اجتماعی- اقتصادی پایینی نیز بهره مند هستند [۱۴]. میرترابی و همکاران در پژوهشی تأثیر ویژگی های فردی و خانوادگی زنان روستایی را بر انگیزه مشارکت آن ها در فعالیتهای کشاورزی در شهرستان کرج بررسی کرده اند. یافته های پژوهش حاکی از آن بود که رابطه مثبت و معناداری بین انگیزه مشارکت و متغیرهایی مانند تعداد اعضای خانوار، استفاده از منابع اطلاعاتی و میزان استفاده از فناوری های کشاورزی وجود داشت و رابطه منفی بین متغیر انگیزه مشارکت و میزان سواد و درآمد مشاهده شد [۱۵].

موحد و همکاران در پژوهشی با عنوان عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری های جنسیتی یک نمونه ۳۸۴ نفری از زنان ۵۴-۲۵ ساله شهر شیراز را با روش پیمایش مطالعه کردند. یافته های این پژوهش نشان می دهند که عواملی چون اشتغال و تحصیلات زنان و مادران آن ها تأثیر عمده ای در تغییر مناسبات موجود در جامعه و خانواده به همراه داشته است [۱۶]. در پژوهشی دیگر غنیان و همکاران در پی بررسی نقش زنان روستایی استان خوزستان در بهره برداری، حفاظت و احیاء عرصه های طبیعی بیابانی برآمدند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که زنان در کلیه فعالیت های مذکور نقش داشته است [۱۷]. یعقوبی فرانی و جلیلیان در اثرات اقتصادی و اجتماعی مشاغل خانگی زنان روستایی در شهرستان اسلام آباد غرب، مهم ترین تأثیرات اقتصادی مشاغل خانگی بر زندگی زنان روستایی را بر اساس نتایج تحلیل عاملی در چهار دسته کلی شامل بهبود وضعیت اقتصادی خانواده، افزایش آگاهی های اقتصادی، افزایش استقلال مالی و ارتقای قدرت ریسک پذیری و نوآوری تقسیم کردند. مهم ترین آثار اجتماعی مشاغل خانگی برای زنان روستایی نیز شامل افزایش سطح مهارت های فنی و اجتماعی، علاقه مندی به کسب اطلاعات، توسعه ارتباطات نهادی، توسعه ارتباطات اجتماعی و افزایش سطح مشارکت گروهی است [۱۸]. فرجی سبکبار و همکاران در ارزیابی نقش ITC در توانمندسازی زنان روستایی به این نتیجه رسیدند که زنان روستایی به عنوان یکی از گروه های تأثیرگذار، نقش مهمی در جامعه روستایی بر عهده دارند. از این رو، افزایش مهارت های زنان روستایی می تواند نقش مهمی در ارتقای وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده روستایی و در نتیجه، زندگی روستایی داشته باشد [۱۹]. خانی و احمدی در تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم گیری های اقتصادی اجتماعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: محدوده روستایی چیريامچی شهرستان زنجان) به این نتیجه رسیدند که با ارتقای سطح تحصیلات زنان روستایی، انتظارات آنان از تصمیم گیری ها نیز افزایش می یابد و هر قدر میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی بیشتر باشد، میزان تصمیم گیری آن ها نیز افزایش خواهد یافت و بالعکس [۲۰]. امینی و احمدی شاپورآبادی در خودتکایی اقتصادی زنان روستایی و

تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن به این نتیجه رسیدند که سطح خوداتکایی نه‌چندان قابل توجه زنان، با سهم دریافتی آن‌ها از درآمدشان، رابطه مستقیم دارد. اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی خارج از منزل، کارفرمابودن، داشتن فعالیت‌های اقتصادی متعدد مزدبگیری و امکان پس‌انداز از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خوداتکایی آن‌هاست. بر پایه این پژوهش زنان روستایی شاغل در گروه‌های شغلی مختلف، از نظر خوداتکایی، وضعیتی مشابه ندارند. خوداتکایی آن‌ها با سطح تحصیلات خود و همسرانشان، ارتباط مستقیم و با سال‌های تأهل و سن آن‌ها رابطه معکوس دارد. شغل همسران زنان روستایی نیز در خوداتکایی آنان به طوری معنادار مؤثر است [۲۱]. آمینی و رمضانی اشتغال زنان روستایی، درآمد و اثر آن در خوداتکایی آن‌ها را بررسی و استدلال کردند که در مجموع به نظر می‌رسد با وجود اهمیت درخور فعالیت‌های اقتصادی بانوان روستایی، کار آن‌ها تأثیر قابل توجهی در میزان استقلال و خوداتکایی‌شان نداشته است. اما با افزایش سهم درآمدی که زنان روستایی شخصاً دریافت می‌کنند و افزایش سن و قدمت دوره زناشویی آنان، بر میزان خوداتکایی‌شان افزوده می‌شود [۲۲].

ساجز در (۱۹۹۱) در پژوهشی مقایسه‌ای درباره زنان روستایی در آمریکا و کشورهای آسیایی نتیجه می‌گیرد که در آمریکا ۵۵٪ از زنانی، که در مزارع سرمایه‌داری کار می‌کنند، حداقل ۵۲٪ کل وظایف را در تمام مزارع به عهده دارند. همچنین، در جنوب شرق آسیا یک سوم نیروی کار را زنان هندی و نیپالی تشکیل می‌دهند که در کاشت برنج فعالیت دارند. در نیپال فعالیت زنان در بخش کشاورزی حدود ۸۰٪ است که عمدتاً به صورت خانوادگی صورت می‌گیرد. در یمن ۸۰٪ زنان در بخش‌های روستایی زندگی می‌کنند و کار آن‌ها فصلی و سنگین است [۲۳]. بر اساس نتایج پژوهش‌های میدانی که توسط بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ انجام شده است، سهم مشارکت زنان در فراهم آوردن نیروی انسانی مورد نیاز برای فعالیت‌های مختلف کشاورزی در ناحیه آمازون در مراقبت از حیوانات خانگی کوچک ۷۲٪، در برداشت محصول ۶۲٪ و در مراحل مختلف کاشت ۵۱٪ است. به طوری که، سهم زنان در فعالیت‌های مذکور نسبت به مردان بیش‌تر است. مطالعات انجام شده در کشورهای آسیایی گویای سهم چشمگیر مشارکت اقتصادی زنان روستایی است. مشارکت نیروی کار زنان در فعالیت‌های مختلف بخش کشاورزی در کشور پاکستان نشان می‌دهد که در همه فعالیت‌ها سهم بیش‌تری را نسبت به مردان دارند [۲۴]. هوکیو و آیتوها (۲۰۰۸) را در تحقیقی با عنوان نقش مشارکت در فعالیتهای اقتصادی زنان در کشور بنگلادش به این نتیجه رسیدند که متغیرهای میزان درآمد، آموزش، مهارتها و مشارکت نهادی زنان، نقش اساسی در افزایش مشارکت آنها در فعالیتهای اقتصادی دارند [۲۵]. جایارامان با مروری بر وضعیت چایکاران در کشتزارهای سریلانکا نشان می‌دهد زنانی که با مشارکت مستقیم در مزارع، درآمد نسبتاً خوبی دارند، در اکثر تصمیم‌گیری‌های اساسی زندگی نیز طرف مشورت همسرانشان قرار می‌گیرند [۲۶]. بر اساس آنچه مطرح شد، می‌توان نتیجه گرفت کسب مهارت‌ها و توانمندی شغلی توسط زنان روستایی، موجب شده است آن‌ها از لحاظ مالی در شرایط مطلوب‌تری قرار گیرند. اتکا به شغل و درآمد شخصی، زنان را به اداره زندگی خود قادر کرده است و در بهبود روابط خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان نیز تأثیرات مثبتی دارد. بنابراین بر اساس نظریه‌ها و پژوهش‌های بالا، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر می‌باشند.

۱- بین کار خانگی زنان و وضعیت اقتصادی خانواده آنها رابطه وجود دارد.

۲- بین کار خانگی زنان و قدرت تصمیم‌گیری آنها در خانواده رابطه وجود دارد.

۳- بین کار خانگی زنان و سبک زندگی آنها رابطه وجود دارد.

۴- بین کار خانگی زنان و استقلال اقتصادی آنها رابطه وجود دارد.

روش شناسی تحقیق

نظر به ماهیت پژوهش و جامعه آماری، در این پژوهش از روش پیمایشی مقطعی استفاده شده است. این تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر روشی مطالعه همبستگی پس رویدادی است. جامعه آماری عبارت است از کلیه زنان ۲۰ الی ۶۰ سال دهستان گچین بالا که در سال ۱۳۹۷ در این دهستان ساکن بودند. تعداد کل زنان ۲۰ الی ۶۰ سال دهستان گچین بالا طبق سرشماری ۱۳۹۵ حدود ۲۵۰۰ هزار نفر بوده است. حجم نمونه تحقیق بر اساس فرمول نمونه گیری کوکران حدود ۲۵۰ نفر برآورد شده است. در این تحقیق از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شده است. بدین صورت که زنانی به عنوان نمونه انتخاب شدند که بجز فعالیت خانه داری، حداقل یک فعالیت اقتصادی خانگی درآمد زا داشته باشند. به عبارت دیگر افراد نمونه مورد نظر همگی دارای اشتغال خانگی بودند. پس از انتخاب افراد مورد نظر یعنی زنان ۲۰ الی ۶۰ سال، پرسشگر پس از معرفی خود توضیحات لازم در مورد موضوع تحقیق از آنها خواسته شد تا به سؤالات جواب دهند. پرسشنامه برای افراد باسواد به صورت خود گزارشی و توسط خود پاسخگویان تکمیل گردیده است. اما کسانی که بیسواد یا کم سواد بودند پرسشنامه توسط پرسشگر خوانده شده و به صورت مصاحبه تکمیل شده است.

تعریف عملیاتی متغیرها

اشتغال خانگی زنان: این متغیر با معرف های اشتغال و فعالیت زنان در کارهای گلابتون دوزی، شک دوزی، خوس دوزی، بادوله دوزی، کمه دوزی، منجوق دوزی، پولک دوزی روی لباس و پارچه های متفاوت اندازه گیری شده است.

وضعیت اقتصادی خانواده: برای اندازه گیری این متغیر از میزان درآمد ماهیانه، احساس ثروتمندی یا فقر اقتصادی، داشتن وسایل و امکانات در منزل، ارزش وسایل مورد استفاده منزل و قدرت خرید نسبت به سایر افراد در روستا استفاده شده است.

قدرت تصمیم گیری زنان در خانه: برای اندازه گیری قدرت تصمیم گیری زنان در خانه از میزان قدرت آنها در اداره کردن امور منزل، عوض کردن وسایل منزل، خرید و فروش خانه، تعمیر منزل، تربیت بچه ها و ازدواج فرزندان استفاده شده است.

سبک زندگی زنان: این متغیر با معرف های درصد مسافرت رفتن، درصد مطالعه کردن، گوش کردن به موسیقی، دسترسی به ماهواره، سینما رفتن، استفاده از کامپیوتر، اهل تماشای فیلم بودن، دنبال کردن مسائل سیاسی کشور، دنبال کردن مسائل سیاسی جهان، ژل زدن مو، مش کردن مو، رنگ کردن مو، تتو کردن، پوشیدن مانتو کوتاه، پوشیدن مانتو تنگ، با چادر بیرون رفتن، استفاده از عطر و ادکلن، تمایل به جراحی زیبایی، ورزش کردن، رفتن به باشگاه ورزشی، کار کردن با کامپیوتر یا لپ تاپ، استفاده از اینترنت در منزل، عضویت در فیس بوک، عضویت در شبکه های اجتماعی مانند تلگرام، اینستاگرام و غیره، تشکیل گروه های مجازی در شبکه های اجتماعی، با دوستان به پارک رفتن، بادوستان پیاده روی کردن و شرکت در مهمانی های دوستانه سنجیده شده است.

استقلال اقتصادی زنان: این متغیر با معرف های وابسته نبودن زنان به مردان در زمینه پول خرج کردن، داشتن پول توجیبی، توانایی خرید وسای سبک منزل به تنهایی، توانایی خرید وسایل شخصی، اجازه نگرفتن از شوهر برای هر خرید و توانایی اداره زندگی خود و فرزندان از نظری اقتصادی در صورت فوت شوهر یا طلاق گرفتن اندازه گیری شده است.

یافته های پژوهش

در جدول شماره یک آلفای کرونباخ متغیرها آمده است. همچنان که مشاهده می گردد متغیرهای تحقیق دارای آلفای کرونباخ قابل قبول بوده اند و همه آنها از ۰/۷ بالاتر بوده است. بنابراین می توان گفت که پرسشنامه تحقیق از پایایی مناسبی برخوردار است.

جدول شماره ۱: آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

ردیف	نام متغیر	مقدار آلفای کرونباخ
۱	وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۸۳۲
۲	تصمیم گیری زنان در منزل	۰/۷۹۶
۳	سبک زندگی	۰/۸۱۵
۴	استقلال اقتصادی زنان	۰/۸۰۴

۲۰/۱ درصد پاسخگویان تحصیلات دوره ابتدایی داشته اند و یا اینکه بیسواد بوده اند. ۴۴/۱ درصد هم گفته اند که دارای تحصیلات دوره راهنمایی هستند. ۲۲ درصد نیز گفته اند که دارای تحصیلات دوره متوسط و دیپلم می باشند. ۱۵/۸ درصد آنها هم بینان نموده اند که دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. میانگین سن پاسخگویان ۳۶/۳ سال بوده است. ۹/۶ درصد از پاسخگویان گفته اند که درآمد ماهانه خانواده شان از ۷۰۰ هزار تومان پایین تر بوده است. ۱۵/۳ درصد هم گفته اند که ۷۰۰ هزار تا میلیون درآمد دارند. ۳۱/۳ درصد هم درآمد خانواده خود را یک میلیون تا یک میلیون و پانصد هزار تومان دانسته اند. ۴۳/۸ درصد هم گفته اند که درآمد ماهانه خانواده شان بالاتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان می باشد.

همچنان که در جدول شماره ۲ مشاهده می گردد ۵۶ درصد پاسخگویان گفته اند که به کار گلابتون دوزی مشغول هستند. ۵۳ درصد نیز گفته اند که به کار شک دوزی مشغول هستند. ۴۸ درصد نیز به کار خوس دوزی مشغول به کار بودند و ۴۰ درصد نیز گفته اند که بادوله دوزی می کنند. ۳۹ درصد اظهار نموده اند که به شغل کمه دوزی مشغول هستند و ۶۷ درصد هم بیان نموده اند که به منجوق دوزی مشغول هستند. ۴۳ درصد نیز گفته اند که به کار پولک دوزی روی لباس و پارچه های متفاوت مشغول هستند.

جدول شماره ۲: درصد اشتغال زنان در کارهای خانگی

نوع کار خانگی	تعداد	درصد
گلابتون دوزی	۱۴۰	۵۶/۰
شک دوزی	۱۳۲	۵۳/۰
خوس دوزی	۱۱۹	۴۸/۰
بادوله دوزی	۱۰۰	۴۰/۰
کمه دوزی	۹۷	۳۹/۰
منجوق دوزی	۱۶۸	۶۷/۰
پولک دوزی روی لباس و پارچه های متفاوت	۱۰۷	۴۳/۰

*تعدادی از زنان به بیش از یک کار خانگی مشغول بودند.

همچنان که در جدول شماره ۳ آمده است، ۱۶/۲ درصد پاسخگویان معتقد بودند که از نظری وضعیت اقتصادی در سطح پایینی هستند ۳۴/۵ درصد هم وضعیت اقتصادی خانواده خود را نسبت به سایر افراد در روستاهای دهستان گچین بالا در حد متوسطی ارزیابی نموده اند. اما ۴۹/۳ درصد یعنی حدود نیمی از پاسخگویان گفته اند که از وضعیت اقتصادی نسبت به سایر افراد در روستاهای منطقه در سطح بالایی هستند و از نظر اقتصادی وضعیت خانواده خود را مطلوب ارزیابی کرده اند. ۱۸/۹ درصد پاسخگویان گفته اند که قدرت تصمیم گیری آنها در منزل در سطح پایینی می باشد. ۳۹/۵ درصد هم گفته اند که توانایی قدرت تصمیم گیری آنها در امور خانه در حد متوسطی است و ۴۶/۱ درصد یعنی بیش نزدیک به نیمی از پاسخگویان گفته اند که قدرت تصمیم گیری آنها در امور خانه بالاست. ۲۹/۳ درصد از پاسخگویان گفته اند که از نظر مصرف کالاهایی که بیانگر سبک زندگی افراد است، در حد پایینی هستند. ۲۸/۶ درصد هم از این نظر خود را در حد متوسطی ارزیابی کرده اند و ۴۲/۱ درصد هم خود را از نظر مصرف نمودن کالاهایی که بیانگر سبک زندگی افراد باشد، در سطح بالایی ارزیابی کرده اند. ۲۵/۷ درصد پاسخگویان گفته اند که استقلال اقتصادی آنها پایین است. ۲۶/۳ درصد هم گفته اند که استقلال اقتصادی آنها در حد متوسط می باشد و ۴۸ درصد هم خود را از نظر استقلال اقتصادی در سطح بالایی ارزیابی کرده اند.

جدول شماره ۳: توصیف آماری متغیرهای تحقیق

متغیرها	پایین	متوسط	بالا	جمع کل
وضعیت اقتصادی خانواده	۱۶/۲	۳۴/۵	۴۹/۳	
تصمیم گیری زنان در منزل	۱۸/۹	۳۹/۵	۴۶/۱	۱۰۰/۰
سبک زندگی	۲۹/۳	۲۸/۶	۴۲/۱	۱۰۰/۰

استقلال اقتصادی زنان	۲۵/۷	۲۶/۳	۴۸/۰	۱۰۰/۰
----------------------	------	------	------	-------

برای نرمال بوده داده ها از آزمون کولمرگ- اسمیرنوف استفاده شده است. نتایج آن به صورت زیر می باشد. همچنان که در جدول زیر آمده است، سطح معناداری برای همه متغیرها از ۵ درصد بزرگتر است. بنابراین می توان گفت که توزیع داده های متغیرها نرمال بوده و از منحنی نرمال تبعیت می کند.

جدول شماره ۳: آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق

متغیرها	مقدار مطلق	بیشترین	کمترین	آزمون کولمرگ-اسمیرنوف	سطح معناداری
وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۱۶۷	۰/۱۴۱	-۰/۱۶۷	۰/۱۶۷	۰/۱۱۳
تصمیم گیری زنان در منزل	۰/۱۶۲	۰/۱۲۸	-۰/۱۶۲	۰/۱۶۲	۰/۱۲۰
سبک زندگی	۰/۱۲۳	۰/۱۲۳	-۰/۰۸۸	۰/۱۲۳	۰/۳۲۷
استقلال اقتصادی زنان	۰/۳۰۱	۰/۲۳۸	-۰/۳۰۱	۰/۳۰۱	۰/۰۸۱

برای آزمون این فرضیه ها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی پیرسون بین اشتغال به کار خانگی زنان و وضعیت اقتصادی خانواده آنها ۰/۳۱۲ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ می باشد که از ۵ درصد کوچک تر است. بنابراین می توان گفت که بین اشتغال به کار خانگی زنان و وضعیت اقتصادی خانواده آنها رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد؛ به عبارت دیگر می توان گفت که هر چه اشتغال بکار خانگی زنان بیشتر بوده، وضعیت اقتصادی خانواده آنها نیز بهتر بوده است. ضریب همبستگی بین متغیر اشتغال بکار خانگی زنان و تصمیم گیری زنان در منزل برابر ۰/۴۰۲ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ می باشد که منفی و معنی دار است. بنابراین می توان گفت که هر چه میزان کار خانگی زنان بیشتر بوده است، تصمیم گیری زنان در امور خانه نیز بیشتر بوده است و این نتیجه با احتمال خطای ۵ درصد قابل تعمیم به جامعه آماری تحقیق می باشد. رابطه بین اشتغال بکار خانگی زنان و سبک زندگی آنها برابر ۰/۲۸۹ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ بوده است که مثبت و معنی دار است. بنابراین می توان گفت که بین اشتغال بکار خانگی زنان و تصمیم گیری زنان در منزل رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد و این نتیجه با احتمال خطای یک درصد قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد. به عبارت دیگر می توان گفت که هر چه اشتغال بکار خانگی زنان بیشتر بوده است، میزان تصمیم گیری زنان در امور منزل نیز بیشتر بوده است.

ضریب همبستگی بین اشتغال بکار خانگی زنان و استقلال اقتصادی زنان برابر ۰/۳۴۲ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ بوده است. بنابراین با احتمال خطای یک درصد می گوئیم که بین اشتغال بکار خانگی زنان و استقلال اقتصادی زنان رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. و این نتیجه با احتمال خطای یک درصد قابل تعمیم به جامعه آماری می باشد؛ به عبارت دیگر هر چه میزان کار خانگی زنان بیشتر بوده، میزان استقلال اقتصادی آنها نیز بیشتر بوده است.

جدول شماره ۴ : ضریب همبستگی متغیر اشتغال خانگی زنان با متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد افراد	سطح معنی داری
وضعیت اقتصادی خانواده	۰/۳۱۲	۲۵۰	۰/۰۰۰
تصمیم گیری زنان در منزل	۰/۴۰۲	۲۵۰	۰/۰۰۰
سبک زندگی	۰/۲۸۹	۲۵۰	۰/۰۰۰
استقلال اقتصادی زنان	۰/۳۴۲	۲۵۰	۰/۰۰۰

بحث و نتیجه گیری

یکی از عرصه های تحول زندگی اجتماعی در عصر جدید، تغییرات و تحولات در زندگی زنان است. این تغییرات و تحولات خود دامنه وسیعی را از تغییر باورها و انگاره های اجتماعی درباره زنان تا تغییر نقش های فردی، خانوادگی و اجتماعی در بر می گیرد. اما اشتغال زنان در میان این تحولات اهمیت و نقش ویژه ای دارد. یکی از وجوه اهمیت موضوع اشتغال زنان، تأثیرات عینی و مشهود آن در عرصه اجتماعی از یک سوی، و عرصه های فردی از سوی دیگر است. این ویژگی مهم موجب شده است اشتغال زنان به مقوله ای تبدیل گردد که ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی دارد. زنان همواره نقش اساسی را در خانواده ایفا نموده و در انجام دادن کارهای خارج از خانه سابقه نسبتاً طولانی دارند و نقش مهمی را در جهت نیل به اهداف و برنامه های توسعه اقتصادی اجتماعی ایفا می نمایند.

زنان در گستره جهانی نقش عمده ای در فعالیتهای اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه و از همه مهمتر در نواحی روستایی این جوامع شکل متفاوتی دارد. این فعالیتهای عمدتاً سنتی است، در داخل خانه انجام می شود، جنبه تولیدی دارد و در افزایش درآمد خانوار تأثیر بسزایی دارد. با این حال، زنان روستایی نامرئی ترین مشارکت کنندگان در فرآیند اقتصادی جامعه و خانواده است. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، بنابراین، عدم توجه به توانایی این بخش جامعه نتایج زیانباری را به دنبال خواهد داشت. امروزه زن روستایی و زحمات او که همه اقشار جامعه از آن بهره مند می شوند، تا حدودی مورد توجه اندیشمندان و نهادهای اجتماعی قرار گرفته است. این تحقیق به بررسی تأثیر کار خانگی زنان در شرایط گذران زندگی خانوادگی آنها در دهستان گچین پرداخته است. تحقیق به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شده است. تحقیق با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند بر روی ۲۵۰ نفر از زنان دهستان گچین بالا اجرا شده است. نتایج یافته های تحقیق نشان داد که میزان فعالیت اقتصادی خانگی زنان با متغیرهای وضعیت اقتصادی، سبک زندگی، قدرت تصمیم گیری و استقلال اقتصادی زنان رابطه مستقیم و معناداری داشته است.

این نتیجه با یافته های پژوهش های امیرنیا (۱۳۸۰)، میرترابی و همکاران (۱۳۹۱)، موحد و همکاران (۱۳۸۴) غنیان و همکاران (۱۳۸۷)، یعقوبی فرانی و جلیلیان (۲۰۱۵)، فرجی سبکبار و همکاران (۲۰۱۱)، خانی و احمدی (۱۳۸۸)، امینی و احمدی شاپورآبادی (۲۰۰۷)، امینی و رضانی (۲۰۰۰)، هوکیو و آیتوها (۲۰۰۸) و جایارامان (۱۹۷۹) که همگی معتقد بودند فعالیت های اقتصادی زنان در وضعیت اقتصادی خانواده، نحوه تصمیم گیری در خانواده و به طور کلی در شرایط گذران زندگی خانوادگی آنها تأثیر مستقیم داشته است، همخوانی دارد و نتیجه این تحقیق در راستای تحقیقات ذکر شده می باشد.

در تبیین نتیجه بالا نیز نظریه های نئوکلاسیک برای تبیین تفاوت های جنسیتی و اختلاف درآمد بین کار مردان و زنان به متغیرهایی نظیر مسئولیتهای خانوادگی، نیروی جمعیتی، آموزشهای عمومی، غیبت و جابه جایی از کار اشاره می کند و این عوامل را در میزان بهره وری نیروی کار مؤثر می داند [۴]. فمینیست ها نیز در تحلیل تقسیم کار جنسیتی معتقد بودند که زنان همواره، چه در نظام تولید کشاورزی سنتی و چه در نظام صنعتی، به حیات اقتصادی خانواده کمک می کنند. شرکت و همکاری زنان در اقتصادی کشاورزی و خصوصاً بهره برداری های خانوادگی، اگر چه به صورت رسمی اندازه گیری نمی شود، اما بدون کمک زنان گاه واحد بهره برداری از ادامه فعالیت تولیدی عاجز می ماند. به نظر ایشان آنها در نقش خانه داری های نوین نیز به طور غیر مستقیم به حیات اقتصادی خانواده کمک می کنند [۷]. نظریات فمینیستی به رد ایدئولوژی تقسیم کار جنسیتی اقدام می کند که بر اساس آن فقط کارهای مرتبط با حوزه بیرونی شایسته دریافت دستمزد هستند و از طریق کسب دستمزد، مردان قدرت کنترل و تصمیم بر منابع مالی خانواده را دارند. بدین ترتیب

کسب درآمد، کنترل درآمد، تقسیم منابع مالی خانواده و تصمیم‌گیری در امور خانواده و... همه تحت اختیار مرد است [۹].

منابع و مآخذ

- [۱] محمدی، ا (۱۳۷۴). عوامل مؤثر در عدم حضور فعال زنان در قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجرایی، مجموعه مقالات زنان.
- [۲] نوری، س ه و علی محمدی، ن (۱۳۸۸). تحلیلی بر فعالیتهای اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه براآن - شهرستان اصفهان)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، سال ۲۰، شماره پیاپی ۳۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.
- [۳] توسلی، ا و طاهری، ن (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اختلاف‌ها و تعارضات اقتصادی زندگی زنانشویی زنان شاغل و خانه‌دار شهر تهران، فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۳۹۰-۳۶۵.
- [۴] ابونوری، ا و غلامی، ن (۱۳۸۸). بررسی روند اشتغال زنان در مقایسه با مردان و عوامل مؤثر بر سهم اشتغال زنان در بخش صنعت ایران، مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، سال ۷، شماره ۱، صص ۵۴-۳۱.
- [۵] ریتزر، ج (۱۳۸۷). نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۶] گیدنز، آن و بردسال، ک (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- [۷] ابوت، پ و والاس، ک (۱۳۷۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی نگرش‌های فمینیستی، مترجم: مریم خراسانی و حمید احمدی، تهران.
- [۸] گرت، ا (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جنسیت، ترجمه کتایون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- [۹] ترنر، ج (۱۳۷۳). ساخت نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده.
- [۱۰] لهسایی زاده، ع (۱۳۷۴). نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران، مجموعه مقالات دومین و سومین سمینار سیمای زن در جامعه، انتشارات دانشگاه الزهراء (س)، تهران.
- [۱۱] خانی، ف (۱۳۷۵). جایگاه و نقش اشتغال زنان در فرآیند توسعه روستایی، پایان‌نامه دکتري، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۲] پورعربی، ح (۱۳۷۶). بررسی نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی شهرستان رامسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- [۱۳] سرحدی، ف، ناهید مطیع؛ ن آ؛ خجسته فر، م و صارمی، ز (۱۳۷۳). بررسی اجتماعی-اقتصادی نقش زنان در روستای آهندان، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی. علم، صنعت و توسعه، تهران، دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری.

- [۱۴] امیر نیا، ل (۱۳۸۰). میزان و چگونگی مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۱۵] میرترابی، م ال؛ حجازی، ی و حسینی، س م (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی و خانوادگی زنان روستایی بر انگیزه مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های کشاورزی، فصلنامه مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۴۹-۱۶۷.
- [۱۶] موحد، م؛ عنایت، ح و گرگی، ع (۱۳۸۴). عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر نگرش زنان نسبت به نابرابری‌های جنسیتی، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۲، تابستان، صص ۹۵-۱۱۳.
- [۱۷] غنیان، م؛ خانی، ف و غدیری معصوم، م (۱۳۸۷). نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی در استان خوزستان، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۱۹.
- [۱۸] یعقوبی فرانی، ا و جلیلیان، س (۱۳۹۴). تأثیرات اقتصادی و اجتماعی اشتغال خانگی زنان روستایی شهرستان اسلام آباد غرب، مجله اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۲، صص ۹۳-۱۱۳.
- [۱۹] فرجی‌سبکبار، ح؛ خانی، ف و نعمتی، م (۱۳۹۰). ارزیابی تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات بر توانایی زنان روستایی، مورد مطالعه: قرن آباد، مجله جغرافیا، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۱۷۵-۱۵۹.
- [۲۰] خانی، ف و احمدی، م (۱۳۸۸). تبیین عوامل مرثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی-اجتماعی، پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، صص ۹۵-۱۱۳.
- [۲۱] امینی، ا و احمدی شاپورآبادی، م (۱۳۸۶). اشتغال زنان روستایی در استان اصفهان، فصلنام مطالعات زنان (جامعه‌شناختی و روانشناختی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۶۵-۹۲).
- [۲۲] امینی، ا و رضانی، م (۱۳۷۹). اشتغال زنان روستایی و تاثیر آن بر خوداتکایی زنان، تهران، مجله پژوهشی جهاد کشاورزی.
- [۲۳] نواب اکبر، ف (۱۳۷۶). نقش زنان روستایی، در توسعه در دهه گذشته، گردهمایی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، مجموعه مقالات، جلد اول.

- [24] World Bank Report. (2004). World development report 2004 : Making services work for poor people [Internet]. Retrieved from: <https://openknowledge.worldbank.org/handle/10986/5986?show=full>
- [25] Hoque, M., & Itohara, Y. (2008). Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and non-members of the micro- credit organizations in Bangladesh. Journal of Social Sciences, 4(3), 229-36
- [26] Jayaraman, R. (1975). Caste continuities in Ceylon: A study of social structure of three tea plantations. Bombay: Popular Prakashan

